



محمدسعید میرزایی

زبان‌های گوناگون ترجمه شده است.
آنان که محیط فضل و آداب شدند
در جمع کمال شمع اصحاب شدند
ره زین شب تاریک نبردند، به روز
گفتند فسانه‌ای و در خواب شدند

□□□

ابر آمد و زار بر سر سبزه گریست
بی باده‌ی گلرنگ، نمی‌باید زیست
این سبزه که امروز، تماشاگه ماست
تا سبزه‌ی خاک ما تماشاگه کیست؟

□□□

در کارگه کوزه‌گری رفتم دوش
دیدم دوهزار کوزه، گویا و خموش
ناگاه یکی کوزه برآورد خروش:
کو کوزه‌گر و کوزه‌خر و کوزه‌فروش؟

□□□

جامی است که عقل، آفرین می‌زندنش
صد بوسه زمهر، بر جبین می‌زندش
این کوزه‌گر دهر چنین جام لطیف
می‌سازد و باز بر زمین می‌زندش

□□□

یک چند، به کودکی به استاد شدیم
یک چند به استادی خود شاد شدیم
پایان سخن شنو که ما را چه رسید
از خاک، برآمدیم و بر باد شدیم

□□□

این قافله‌ی عمر عجب می‌گذرد
دریاب دمی که با طرب می‌گذرد
ساقی! غم فردای حریفان چه خوری؟
پیش آر پیاله را که شب می‌گذرد

□□□

اسرار ازل را نه تو دانی و نه من
وین حرف معما، نه تو خوانی و نه من
هست از پس پرده گفتگوی من و تو
چون پرده برافتد، نه تو مانی و نه من

□□□

گر آمدنم به خود بُدی، نامدمی
گر نیز شدن به من بُدی، کی شدمی
به زان بُدی که اندرین دیر خراب
نه آمدمی، نه شدمی، نه بدمی

□□□

آن قصر که برچرخ همی زد پهلوی
بر در گه او شهان نهادندی رو
دیدم که بر کنگره‌اش فاخته‌ای
فریاد همی کرد که: کوکوکو!

□□□

آن قصر که جمشید در او جام گرفت
آهو بچه کرد و بزه آرام گرفت
بهرام که گور می‌گرفت همه عمر
دیدم که چگونه گور، بهرام گرفت

□□□

یاران به موافقت چو دیدار کنید
باید که زدوست یاد بسیار کنید
چون باده‌ی خوشگوار نوشید به هم
نوبت چو به ما رسد، نگون سار کنید

□□□

ای دوست بیا تا غم فردا نخوریم
این یک دم عمر را غنیمت شمیریم
فردا که از این دیر کهن درگذریم
با هفت‌هزار سالگان سر به سریم

یگانگی با قالب خود رسیده‌اند.
به عبارتی در رباعیات خیام محتوا و صورت
نزدیک‌ترین نشست را با یکدیگر دارند. هم‌چنین
گفته‌اند که ارزش رباعیات خیام در اثبات ونفی
فلسفی آن‌ها نیست، بلکه همان‌طور که اشاره شد به
شکل پرداختن به آنها و زبان ساختاری است که
خیام برای بیان مفاهیم فلسفی خاص خود، دارد.
هرچند که رباعی‌های بسیاری به خیام نسبت
داده‌اند، اما آن تعداد از رباعیات او که سندیت
بیش‌تری در انتساب به خیام دارند، به تقریباً هفتاد
رباعی می‌شود. خیام از جمله شاعران پارسی‌گوی
است که درجهان شناخته شده است و شعر او به

حکیم ابوالفتح عمرین ابراهیم معروف به خیام
نیشابوری، ریاضی‌دان و فیلسوف و طبیب مشهور
ایران در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم است.
اهمیت خیام بیش‌تر در آن است که توانست افکار
فلسفی عمیق خود را در قالب رباعیات فصیح درآورد
و در عین رعایت معنی چنان کلمات را به کار می‌گیرد
که ابیات او نمونه‌ی بارزی از فصاحت و روانی و
بلندی معنا باشند.

باید گفت که مضامینی که در شعر خیام وجود دارد و
نوع نگرش او به جهان در شعر شاعران پیش و پس
از او نیز شاهد می‌شود، اما ماندگاری شعری خیام از
آن‌جاست که در شعر او این مضامین به نهایت